

ائتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران

جهانبخش ایزدی^۱

استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مصطفی مطهری خوشینانی

دانشجوی دوره دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۴/۴/۱۵ - تاریخ تصویب ۹۴/۶/۲۷)

چکیده

اقتصاد جهانی در حال تغییر پارادایم از پارامترهای تحت سلطه غرب به سمت چندقطبی شدن است. قدرت‌های نوظهور اقتصادی در قاره‌های مختلف به‌طور خاص در این مسیر حرکت می‌کنند که گروه بریکس نماد این رویکرد است. در واقع توسعه مهم‌ترین دغدغه کشورهای به اصطلاح جنوب و از اصلی‌ترین معماهای روابط بین‌الملل در نیم قرن اخیر بوده و هنگامی که با تلاش کشورهای غیرغربی نیز همراه باشد پیچیدگی فهم این مناسبات را دوچندان می‌نماید. در این راستا به نظر می‌رسد ایران به منظور استفاده از منابع و ظرفیت‌های خود به ارائه تعریفی نو از مناسبات خود بر اساس معیارهای ارزشی - ایدئولوژیک تقابلی با جهان غرب و نیز در جهت تامین منافع ملی خویش ارتباط و تعامل با نهاد و سازمانی همچون بریکس را مورد توجه قرار است. این مقاله درصدد است تا با بهره‌گیری از منابع کم‌شمار تحلیلی، ضمن تعریف ماهیت، اهداف و چالش‌های فراروی بریکس به نقش و تأثیر این گروه فراملی در عرصه نظام بین‌الملل و نحوه تعامل آنها با یکدیگر و سایر دولت - ملت‌ها بپردازد.

واژه‌های کلیدی: بریکس، اقتصادهای نوظهور، نظام بین‌الملل، توسعه، سازمان‌های مستقل

مقدمه

سازمان‌هایی چون اکو، اپک، آسه‌آن، گروه ۱۵، ... نمونه‌های عینی از تلاش‌هایی هستند که از فردای جنگ جهانی دوم با هدف توسعه اقتصادی آغاز شده و همچنان استمرار دارند؛ هرچند در این میان هژمونی آمریکا و اتحادیه اروپا در عرصه اقتصاد و سیاست بین‌الملل کمتر اجازه خودنمایی به چنین فعالیت‌هایی داده است. به همین دلیل، بلوک‌های اقتصادی برجسته دنیا، منحصر به اتحادیه اروپا، گروه ۸ و نظیر آنها مانده است.

اکنون جهان شاهد شکل‌گیری بلوکی نسبتاً نیرومند در عرصه اقتصاد بین‌الملل می‌باشد که مطالبات آنها صرفاً اقتصادی نخواهد ماند، بلکه در عرصه سیاست بین‌الملل نیز خواهان حضور پررنگ‌تری برای نقش‌آفرینی می‌باشند. در عصر به هم پیوستگی اقتصادها و ارتباطات شبکه‌ای کشورها به همدیگر به‌خصوص کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های نوظهور آنها به خوبی آگاهند که به تنهایی نمی‌توانند در معادلات جهانی اثرگذار باشند؛ از این رو شکل‌گیری سازوکارهایی مانند: بریکس، مبین تمایلات این‌گونه کشورها برای حرکتی جمعی و مشترک در برابر یکه‌تازی اتحادیه اروپا، آمریکا و شرکای راهبردی آنها در اقتصاد و سیاست بین‌الملل می‌باشد که بدون شک این رخداد علاوه بر آثار و پیامدهای مثبت برای اعضای بریکس، دارای اثرات متناهی نیز برای کشورهای در حال توسعه خواهد بود تا بتوانند از رقابت این‌گونه کشورها برای افزایش قدرت چانه‌زنی خود جهت سرعت بخشیدن به روند پیشرفت و توسعه همه‌جانبه بهره‌برداری نمایند.

در این میان شکل‌گیری و افزایش روند جهانی شدن و شدت علاقه کشورها برای حضور پررنگ در این فرآیندها حاکی از تغییر مناسبات و معادلات در عرصه جهانی است که پیدایش قدرت‌های نوظهور یکی از مشخصه‌های مهم آن تلقی شده، و از این جهت بریکس بازتاب‌دهنده تحولات نظام بین‌الملل بوده و بر سرشت آن اثر تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت.

این مقاله در مقام تعریف و تبیین جامعی از گروه بریکس و مبنای وجودی این نهاد فراملی است که در چارچوب آن، مبانی، جایگاه و موقعیت هر یک از اعضای بریکس، واکاوی و میزان همگرایی و یا واگرایی میان آنها سنجیده می‌شود. به علاوه با توجه به موقعیت ایران، چه به عنوان یک دولت - ملت خواهان تغییر در نظام کنونی بین‌الملل، و چه برخوردار از موقعیت ویژه جغرافیایی و بهره‌مند از ذخایر عظیم انرژی (نفت و گاز طبیعی)، میزان همکاری و یا عضویت آن در گروه بریکس مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این راستا سوال تحقیق این است که آیا با لحاظ قرار دادن اختلافات سیاسی، اقتصادی اعضاء بریکس با یکدیگر، آیا این امکان را خواهند یافت که در نظام کنونی بین‌الملل منشأ تغییر و تحول شوند؟ فرضیه پژوهش این خواهد بود که گرچه بریکس سازمانی فراملی است که با توجه به ماهیت، اهداف و برنامه‌های چالش‌برانگیزش درصدد تغییر ساختار کنونی نظام بین‌المللی است و به جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشوری که خواستار تغییر وضع موجود در نظام بین‌المللی است توجه دارد اما طی این مسیر و تغییر مورد نظر آن آسان نخواهد بود.

معنایابی بریکس

بریکس^۱ عنوانی است برای گروهی از کشورها که رشد اقتصادی آنها بسیار بالا بوده و فرآیند شکوفایی اقتصادی و صنعتی‌سازی را در سال‌های اخیر با شتاب بیشتری پیگیری کرده‌اند (Euro news, 2012:1). در واقع، بریکس واژه‌ای مرکب از حروف اول نام کشورهای تشکیل‌دهنده آن یعنی برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی می‌باشد که به عنوان یک نیروی بالقوه جهانی یک دهه پیش شکل گرفت. مشخصه عمده این گروه آن است که اعضایش همگی در زمره اقتصادهای نوظهور تعریف شده‌اند (همشهری آنلاین، ۱۳۹۰: ۱). از حیث اقتصادی، نسبت ارزش کل تولیدات این پنج کشور به ارزش کل تولیدات جهان از ۹ درصد در سال ۲۰۰۱ میلادی به ۱۷ درصد

^۱- Brics (Brazil, Russia, India, China, South Africa)

در سال ۲۰۱۰ میلادی ارتقاء یافته است و پیش‌بینی می‌شود طی ۱۰ سال آینده ارزش کل تولیدات این پنج کشور بیش از ۳۰ درصد از ارزش کل تولیدات جهان را شامل شود که به این ترتیب به بزرگ‌ترین جامعه اقتصادی جهان تبدیل خواهد شد (Cameron, 2011: 2). گروه مزبور ابتدا با نام بریک ظهور یافت که نمایانگر حرف اول نام کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین بود. این واژه در سال ۲۰۰۱ به نام جیم اونیل کارشناس شرکت سرمایه‌گذاری «گلدمن ساکس» در آمریکا ابلاغ شد و در سال ۲۰۰۵ این عنوان را منتشر نمود که البته این عنوان با پیوستن آفریقای جنوبی به گروه در سال ۲۰۱۱ به بریکس تغییر نام داد و شکل جهانی‌تری به خود گرفت. به اعتقاد «گلدمن ساکس» از آنجایی که این گروه شتاب بالایی را در اقتصاد خود تجربه می‌کنند، از این قابلیت برخوردار است که حتی تا سال ۲۰۱۸ اقتصاد آمریکا را نیز پشت سر بگذارد (Hounshell, 2011: 1). گروه بریکس که از آن به عنوان «گروه ۵» نیز یاد می‌شود، باشگاهی اقتصادی با گرایش‌های سیاسی قلمداد می‌شود که تلاش می‌کنند با تقویت خود، بلوک قدرتمندی در برابر بلوک‌های غربی شکل دهند.

باید توجه داشت کشورهای عضو بریکس در گروه ۲۰ نیز عضویت دارند گروهی که سازوکار اصلی هماهنگی تلاش‌های بین‌المللی برای ایجاد سیستم جدید مدیریت اقتصاد جهانی به شمار می‌رود. روند تحولات اقتصادی - صنعتی این کشورها نشان می‌دهد که اساس حرکت و زیربنای فکری شکل‌گیری این گروه به عنوان یک تشکل نوظهور به منظور نقش‌آفرینی در دنیای چندقطبی آینده و به چالش کشاندن نظم کنونی حاکم بر نظام بین‌الملل است (عنادی، ۱۳۹۰: ۴).

از منظر سیاسی، اجتماعی باید در نظر داشت که دو غول جمعیتی دنیا یعنی چین و هند در بریکس عضویت دارند و با احتساب جمعیت روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی حدود ۳ میلیارد جمعیت جهان را دربرمی‌گیرند. همچنین حضور دائم دو عضو شورای امنیت در گروه بریکس و سه مدعی کسب کرسی دائم یعنی هند، برزیل و آفریقای

جنوبی نشان‌دهنده نقش و تأثیرگذاری گروه بریکس در معادلات جهانی و بین‌المللی است، به طوری که رشد روزافزون اقتصادی در کنار تأثیر سیاسی این گروه می‌تواند آنها را به رقیبی جدی برای ایالات متحده آمریکا و اروپا تبدیل نماید (Hau, ect, 2012:187-204). فراتر از آن ترکیب اعضای گروه بریکس به گونه‌ای است که سه کشور عضو، یعنی روسیه، چین و هند دارای سلاح هسته‌ای هستند، دو کشور دیگر یعنی برزیل و آفریقای جنوبی نیز از توانمندی هسته‌ای برخوردار بوده و عضو پیمان عدم اشاعه سلاح هسته‌ای^۱ هستند (تقفی عامری، ۱۳۹۲: ۱). دارا بودن این ویژگی در میان اعضای بریکس توانمندی‌ها و چانه‌زنی‌های آنها را در ابعاد مختلف بین‌المللی افزایش داده است (Harmer, ect, 2013: 5-6).

از دیگر ویژگی‌های بریکس، آمایش سرزمینی این گروه با برخورداری از ۲۵ درصد سرزمین، ۴۳ درصد جمعیت، ۳۳ درصد تولید ناخالص جهان و در اختیار داشتن ۱۲۸ درصد از حجم تجارت جهانی می‌باشد که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ به بازیگر مهم اقتصادی جهان تبدیل گردد. از سوی دیگر ممکن است با پیوستن برخی از بازیگران منطقه‌ای و کشورهای دیگر به این مجموعه، گروه‌بندی قدرت‌های نوظهور تقویت شده و از موقعیت برتری برخوردار شود (نمنا، ۱۳۹۲: ۱).

روند شکل‌گیری و تکامل بریکس

در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ به اصرار ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، وزرای خارجه «کشورهای بریک» دیداری غیررسمی در حاشیه شصت‌ویکمین اجلاس عمومی سازمان ملل در نیویورک برگزار کردند که البته به توافق خاصی نینجامید. اما یک سال بعد با انجام دیداری دوباره بر تقویت روابط با یکدیگر توافق کردند. لاوروف وزیر امور خارجه روسیه اظهار داشت که توافقات مبتنی بر منافع مشترک بوده، و پیگیری منافع هر

^۱- Non - Proliferation Treaty (NPT)

چهار کشور روسیه، چین، هند و برزیل، محور رسمیت‌بخشی به این مشارکت می‌باشد (سایت سخن آشنا، ۱۳۹۰: ۱).

بر پایه مقدمات فوق بود که گروه بریک در سال ۲۰۰۹ رسماً به عنوان یک سازمان جهانی شروع به کار کرد. به طوری که در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ سران کشورهای عضو بریک اولین جلسه خود را در یکاترینبرگ روسیه برگزار نمودند و در آن کشورها را به نظامی جهانی که دموکراتیک‌تر، چندقطبی‌تر و مبتنی بر قواعد بین‌المللی، برابری، مسئولیت‌پذیری، همکاری و عملکرد هماهنگ و تصمیمات مشترک و به نفع تمام ملت‌ها باشد، فراخواندند (http://www.mea.gov, 2013:1).

در ۵ آوریل ۲۰۱۰، دومین جلسه کشورهای عضو بریک در برزیل برگزار شد. رهبران این کشورها در این جلسه خواستار اصلاح سازمان ملل شدند. نکته قابل ذکر در این جلسه عدم دستیابی به توافق برای پیوستن برزیل و هند به عنوان اعضای دائم شورای امنیت می‌باشد که در جای خود محل تأمل است. در جولای ۲۰۱۱، سومین جلسه در جزیره هانیا چین برگزار شد. در این سال کشورهای عضو بریک نزدیک به یک‌سوم کل رشد اقتصادی دنیا را به خود اختصاص داده بودند. چهارمین نشست اعضای این گروه در ۲۰ مارس ۲۰۱۲ بدون دست‌آورد ملموسی در دهلی نو برگزار شد. پنجمین اجلاس سران گروه بریکس در دوربان آفریقای جنوبی در ۲۶ و ۲۷ مارس ۲۰۱۳ تشکیل گردید. در این نشست، بار دیگر بر آهنگ کند انجام اصلاحات در صندوق بین‌المللی پول، ابراز نگرانی شد و نیز تلاش طرفین برای یافتن راه‌های افزایش مبادلات تجاری میان خود مورد تأکید قرار گرفت. اینکه چرا در آفریقای جنوبی برگزار شد و چرا آفریقای جنوبی عضو بریکس شد، محل توجه جدی است. آفریقای جنوبی از حیث جغرافیایی در جنوبی‌ترین نقطه آفریقا قرار داشته، از بنیان‌گذاران اتحادیه اروپا و به عنوان یکی از کشورهای مؤثر در قاره آفریقا ایفای نقش می‌کند.

تا قبل از تبدیل اصطلاح بریک به بریکس، هیچ کشور آفریقایی عضو این گروه نبود. ظاهراً آفریقا قاره‌ای توصیف می‌شود که ارتباطی با اقتصاد جهانی ندارد و تنها تأمین‌کننده مواد اولیه محسوب می‌گردد. برای حذف این نگاه به قاره آفریقا، اعضای گروه بریکس تصمیم گرفتند که یک عضو آفریقایی را به این سازمان بیفزایند. بر مبنای این رویکرد، دو کشور نیجریه و آفریقای جنوبی برای عضویت در این گروه کاندیدا شدند که مآلاً در سال ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی به عضویت این گروه درآمد و از آن تاریخ به بعد بریک به بریکس تغییر نام داد (آلبوغیش، ۱۳۹۱: ۱).

در دسامبر ۲۰۱۰ وزیر امور خارجه چین طی یک مذاکره تلفنی با همتای خود در آفریقای جنوبی اعلام کرد که: هوجین تائو رئیس‌جمهور چین دعوت‌نامه‌ای را برای ژاکوب زوما رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی ارسال کرده است و از او برای شرکت در نشست‌ی که در سال آینده در پکن پیرامون موضوعات در دستور کار بریک برگزار می‌شود دعوت به عمل آورده است. با توجه به تلاش‌های رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی برای پیوستن کشورش به گروه بریک و نیز علاقمندی رئیس‌جمهور زوما مبنی بر تغییر تصویر کشورش و بهبود آن در نزد سرمایه‌گذاران و مدیران مالی در عرصه جهانی، چین به عنوان رئیس وقت گروه بریک بر این باور بود که الحاق آفریقای جنوبی به این گروه موجب توسعه بریک و تسهیل همکاری اقتصادی نوظهور خواهد شد. در حقیقت متعاقب این پیش‌زمینه‌های عینی بود که آفریقای جنوبی به عضویت گروه مذکور درآمد. اما واقعیت این است که دلیل عمده پیوستن و پذیرش آفریقای جنوبی از سوی اعضای گروه بریک، دلایل ژئوپلیتیکی و اجتماعی و نیز همگن کردن این گروه به لحاظ جغرافیایی از پنج قاره بوده است، چراکه نگاهی به آمارهای صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که مطابق آمارهای منتشره، تولید ناخالص داخلی آفریقای جنوبی ۲۸۷ میلیارد دلار در آن سال بوده است در حالی که تولید ناخالص داخلی کره جنوبی در همین سال ۸۳۳ میلیارد دلار، ترکیه ۷۲۹ میلیارد دلار و مکزیک ۸۷۵ میلیارد

دلار بوده است که به مراتب اقتصادهای رو به رشد و مستعدتری از آفریقای جنوبی داشته‌اند. فلذا فارغ از نگاه ملهم از تفکر اقتصادی می‌توان پذیرفت که با پیوستن رسمی آفریقای جنوبی به بریکس در سال ۲۰۰۹ این سازمان گسترش جهانی یافت و شکل بین‌المللی ویژه‌ای به خود گرفت.

ششمین اجلاس بریکس در شهر فورتالزای برزیل در ۱۵ آگوست ۲۰۱۴ برگزار شد، که مصوبه قابل توجهی جز تکرار مواضع قبلی نداشت (پژوهشکده مطالعات راهبردی بین‌الملل، ۱۳۹۲: ۱).

هفتمین اجلاس بریکس نیز در مسکو در ۹ جولای ۲۰۱۵ با دستور کار توسعه اقتصادی و موضوعات سیاسی از قبیل مبارزه با تروریسم گشایش یافت.

ماهیت هستی‌شناسانه بریکس

شاید برای نخستین بار طی سال‌های اخیر کارشناسان ژئوپلیتیک که قائل به راهبرد مبتنی بر تمدن جهت تحلیل حوادث جهان هستند، شاهد تحقق ایده اندیشمندی چون توین بی، اشپنگلر و دانلیفسکی می‌باشند؛ ایده‌هایی مبتنی بر این اعتقاد که زمانی فراخواهد رسید که مدل‌های فرهنگی - تاریخی و تمدنی جای گزاره‌هایی چون قومیت‌ها و دولت‌ها به عنوان موضوع سیاست خارجی را می‌گیرند. به عنوان مثال، تبدیل اعتبارات متقابل میان کشورهای بریکس به ارزش‌های ملی، وابستگی به آمریکا و غرب را کاهش می‌دهد. این تنها اولین گام و قسمت کوچکی از پروژه ژئوپلیتیک جدید می‌باشد. در ادامه و تأیید موضوع کاهش وابستگی‌ها به غرب در ژئوپلیتیک مذکور باید تأکید کرد که کشورهای عضو بریکس نه تنها برای ادامه حیات و بقای خود (در شرایط کاهش بیش از پیش منابع معدنی، مواد غذایی، آب آشامیدنی و انرژی الکتریکی) بلکه برای رشد سریع نیز منابع لازم را در اختیار دارند. بر این اساس با توجه به دارا بودن منابع و گستره ژئوپلیتیکی بریکس در سطح پنج قاره تنها وجود یک سازوکار همگرایی در قالب یک اتحاد سیاسی می‌تواند یک هویت ادغامی همبودگرا را

در راستای تقابل و رقابت با سایر نهادهای غربی برای ایجاد توازن و تعادل قدرت در عرصه جهانی فراهم آورد (باشگاه اندیشه، ۱۳۹۲: ۱).

علی‌رغم تلقی فوق، هستی‌شناسی بریکس هستی‌شناسی مبتنی بر رویکردی چالشی است. به عبارتی سطوح قدرت در این نهاد بین‌المللی در یک سطح واحدی قرار ندارد و دارای چندپارگی‌های چندگانه‌ای در حوزه‌های مختلف قدرت می‌باشند، هرچند مشخصه عمده اعضای این گروه اقتصاد نوظهورشان می‌باشد اما باید تأکید نمود در این سطح نیز میزان کنش‌های درون‌گروهی نیز در میان اعضا در یک سطح همتراز و مساوی قرار ندارد (سلیمان‌پور، مولایی، ۱۳۹۲: ۲۸ - ۳۰).

آنچه در باب این گروه مهم به نظر می‌رسد این است که هر یک از کشورهای گروه بریکس در یکی از حوزه‌های سیاسی و یا اقتصادی در منطقه خود بازیگری عمده به شمار می‌آیند. بنابراین از حیث ماهیت وجودی و ذات‌انگارانه می‌توان مدعی شد که گروه مزبور با پوشش دادن مناطقی چون اوراسیا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از ابعاد جهانی و بین‌المللی برخوردار است (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۲: ۱).

از این‌رو در زمینه موجودیت بریکس، تنها می‌توان از اصطلاح نوعی همکاری و همگرایی در میان اعضای آن استفاده نمود، چراکه اطلاق مفاهیم و تعابیری چون ائتلاف به این نهاد، مستلزم داشتن سازوکارهای متناسب با آن است که به دلیل فقدان وجود سازوکارهای مورد نظر شفافیت و بار معنایی مفهوم ائتلاف بر آن شمول لازم را ندارد. بر این اساس بکارگیری اصطلاح همگرایی در رابطه با بریکس از دو بعد قابل طرح است:

الف. بعد اقتصادی

ویژگی رشد اقتصادی روزافزون اعضای بریکس عاملی برای نزدیکی و همکاری آنها با همدیگر بوده است (Matovska, etc, 2014: 371-374).

ب. بعد سیاسی

کشورهای تشکیل دهنده بریکس دارای جهت گیری های نسبتاً مشابهی در باب مسائل جهانی هستند از جمله اینکه سیاست فشار، استفاده از زور، نقض حاکمیت کشورهای دیگر، یکجانبه گرایی و نادیده گرفتن سازمان ملل را نمی پذیرند (Ibid).

با این وصف هرچند همگرایی به معنای اشتراک نظر اعضای این نهاد در عرصه مسائل سیاسی می باشد اما در همین زمینه نیز اجماع کلی میان پنج کشور عضو وجود ندارد، فلذا با وجود شواهد موجود شرط ائتلاف در میان اعضای بریکس وجود ندارد.

اهداف سیاسی، اقتصادی بریکس

از منظر اقتصاد، اعضای بریکس در پی بدیلی در مقابل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هستند (Wilson, and Purushothaman, 2003: 99-101). در یک رویکرد واقع بینانه آنان درصدد ایجاد نهادهای غیرغربی با رعایت فاصله منطقی از نظام تجارت جهانی هستند و بر این باورند که باید به توسعه به عنوان امری چندوجهی بنگرند، تا علاوه بر مزیت رژیم های تجاری در برخورداری از رشد بالا که در آن موفق بوده اند، وجه اجتماعی و انسانی آن نیز فراموش نشود (ببری گنبد، ۱۳۹۲: ۱).

از دیگر اهداف بریکس می توان به کاهش ریسک و خطرات احتمالی بازار پولی و ارزی پنج کشور عضو، افزایش قدرت رقابت با دیگر اقطاب جهان، سرمایه گذاری های مشترک در پروژه های فراگیر، ایجاد بیمه مرکزی پنج کشور موصوف، ایجاد تغییر اساسی در توسعه صنعتی، داشتن برتری تکنولوژیک در حوزه بین الملل و تبیین و اجرای یک الگوی جدید اقتصادی در سطح جهان می باشد (صانعی پور، ۱۳۹۲: ۱).

گرچه تمرکز اولیه بریکس بر مسائل اقتصادی و مالی بوده است اما با توجه به وابستگی متقابل سیاست بین الملل و مسائل اقتصادی و نیاز به اصلاح سازمان ملل آنها همواره در نشست های رسمی (و غیررسمی) خود بر اصلاح جامع سازمان ملل از جمله شورای امنیت، به منظور افزایش نمایندگی و کارآمدی و در نتیجه پاسخگویی بیشتر به

چالش‌های جهانی تأکید نموده‌اند. به عبارتی صریح‌تر اعضای بریکس خواهان بازتوزیع قدرت در شورای امنیت از طریق عضویت اعضای جدید و نیز در پی تغییر ساختارهای فرسوده مالی جهان می‌باشد (بولتن نیوز، ۱۳۹۲: ۱).

مرتب بر منطق مذکور، واقعیت امر آن است که با افزایش توان اقتصاد، تمایل این کشورها (اعضای بریکس) به روابط سیاسی بین‌المللی و تأثیرگذاری بر آن نیز افزایش یافت. به طوری که بعد از چندین سال از برگزاری اولین نشست کشورهای عضو بریکس، منافع مشترک این مجموعه از سطح اقتصادی فراتر رفته و به میدان‌های سیاسی و ژئواستراتژیک تسری یافته است. نظر به این تغییر رفتاری در میان اعضای بریکس، اکنون بریکس مجموعه‌ای است که در آن مسائل اقتصادی، همپای پرونده‌های سیاسی پیش می‌روند (Laidi, 2011: 2-7). نمونه عینی عملکرد توأمان سیاسی و اقتصادی این گروه در نشست دوربان در آفریقای جنوبی قابل مشاهده می‌شود که در آن اعضا به اتفاق آرا اعلام کردند که خواهان برداشتن گامی بزرگ برای ایجاد یک مرکز اقتصادی جهانی هستند. به عنوان مثال، اعضا در نشست دوربان اهداف خاصی را به عنوان اهداف اعلامی و اعمالی خود مشخص نمودند که شامل تشکیل بازار آفریقای در آینده و نیز تشکیل بانک مشترک توسعه به منظور رقابت با نهادهای مالی غرب می‌باشد. با این هدف که با راه‌اندازی این بانک بتوانند هزینه‌های مالی مورد نیاز طرح‌های ریاضت اقتصادی را تأمین نمایند.

بنابراین می‌توان گفت که هدف اصلی بریکس تلاش در ایجاد یک نظم نوین مبتنی بر ساختارهای چندقطبی سیاسی - اقتصادی است (رضایی اسکندری، ۱۳۹۳: ۱).

بانک توسعه^۱

ایده تأسیس یک بانک توسعه اقتصادی اولین بار در نشست اعضا در دهلی نو مطرح، در دوربان آفریقای جنوبی به‌طور جدی مورد پردازش قرار گرفت

^۱- BRICS Development Bank

(شهمردی، ۱۳۹۲: ۱) و هدف اصلی آن، ایجاد صندوق ارزی (بانک توسعه)، معماری ساختار مالی و پولی جدید، اصلاح ساختار غیردموکراتیک بانک جهانی، و سیاست‌زدگی بانک جهانی، ثابت در بازار ارز، اقدام به کاهش تزریق نقدینگی به بازار که موجب کاهش ارزش پول کشورهای عضو بریکس در برابر دلار شده است، بود. در واقع، تأسیس و ایجاد این بانک توسط اعضای بریکس به منظور ایجاد زیربنای مالی مؤثر با مشارکت قابل توجه اعضا، مطرح و مورد قبول واقع گردید (Badkar, 2014:1). سرمایه اولیه پیشنهادی معادل ۵۰ میلیارد دلار بود و قرار شد که هر یک از پنج عضو به‌طور مساوی آن را تأمین کنند. اما بعداً در پی اعلام تصمیم مقام‌های عضو بریکس برای تشکیل بانک مشترک توسعه با سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلار بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران را متعجب و شگفت‌زده نمود (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۳: ۱). اما آنچه در این رابطه مهم به نظر می‌آید وجود اختلافات موجود میان اعضای این سازمان است که موجب شده پیشرفت‌های کمی در این خصوص حاصل گردد. در واقع گمانه‌زنی‌ها درباره متوقف شدن محرک پولی بانک مرکزی آمریکا تأثیر منفی بر رشد و رونق اقتصادی کشورهای نوظهور و در حال توسعه داشته است. (ماهنامه صنعت و توسعه، ۱۳۹۲: ۹۸) بر این مبنا هدف اصلی از تشکیل بانک توسعه مشترک، کاهش نفوذ و تسلط بانک‌های غربی می‌باشد (Campbell, 2014: 1). در نشست اعضای بریکس در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ در سن پترزبورگ روسیه، چین متعهد به تأمین ۴۱ میلیارد دلار از منابع مالی مورد نیاز این بانک شد، برزیل، هند و روسیه نیز هر یک تأمین ۱۸ میلیارد دلار از این منابع را برعهده گرفتند و آفریقای جنوبی نیز متعهد به تأمین ۵ میلیارد دلار از منابع مالی این بانک شد.

با توجه به میزان تعهد مالی برای راه‌اندازی این بانک، چین خواهان نقش بیشتری در مدیریت این بانک و همچنین خواستار استقرار دفاتر اصلی این بانک در شهرهای این کشور شده‌اند که در واکنش روس‌ها (وزیر دارایی روسیه) اظهار داشتند چینی‌ها با

این تصور که در مقام تأمین منابع بیشتری برای بانک اشتراکی هستند می‌خواهند نقش بیشتری را در این زمینه ایفا نمایند که این برخلاف موازین و مقررات سازمان بریکس می‌باشد، زیرا بانک توسعه قرار است سرمایه‌گذاری‌های مشترک برای تأسیسات زیربنایی را در کشورهای عضو تسهیل کند و نه فقط برای یک کشور (تجارت پرس، ۱۳۹۲: ۱).

جغرافیای انرژی بریکس

به این معنا اعضای بریکس به‌عنوان یکی از قطب‌های مطرح در جهان چندقطبی خواستار نقش‌آفرینی، کسب استقلال رأی و استقلال عمل بیشتر در جهت تأمین امنیت خود در سه محور امنیت اقتصادی، (به چالش کشاندن اقتصاد حوزه‌های دلار و یورو) امنیت غذایی و امنیت انرژی با هدف کاهش نقش کنونی غرب در قلمرو انرژی و جدا کردن موضوع امنیت انرژی کشورهای عضو بریکس از قلمرو تأثیرپذیری از غرب با تأکید بر ضرورت تعامل و توسعه همکاری‌ها در این صنعت می‌باشند (ولی‌زاده، هوشی سادات، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

در میان کشورهای گروه بریکس تقاضای انرژی داخلی چین رتبه نخست را به خود اختصاص داده است و به همین علت امنیت در یافت انرژی به اولویت اولیه و انتخاب استراتژیک پکن در جهت تضمین تداوم مدرنیزاسیون و اقتصاد شتابنده رو به جلو آن مبدل گشته است؛ به ویژه آنکه وابستگی شدید این کشور به واردات انرژی از خاورمیانه و خلیج‌فارس از طریق تنگه مالاگا و احتمالاً اقدام آمریکا در مسدود کردن این تنگه در صورت وقوع هرگونه حادثه‌ای، مقامات چینی را به فکر تنوع مسیرهای ورود نفت و گاز طبیعی و توسعه خطوط لوله گاز از ایران و آسیای مرکزی به ویژه قزاقستان، ترکمنستان و نیز روسیه انداخته است. (همان: ۱۰۸) با این حال اصلی‌ترین منطقه تأمین انرژی چین از منظر تصمیم‌سازان این کشور، در حوزه نفت و گاز منطقه خاورمیانه به‌ویژه منطقه خلیج‌فارس می‌باشد (Yoshihara & Holmes, 2008: 123-124) که البته حضور

آمریکا در منطقه مشکلاتی را در این زمینه ایجاد کرده است. یکی از دلایلی که ایران مورد توجه پکن می‌باشد عدم حضور و نفوذ کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا در سیاست‌های ج.ا.ایران است.

درباره ذخایر انرژی در کشور چین باید یادآور شد که حوزه آبی «تاریم» در منطقه شین جیانگ به عنوان مؤلفه اصلی تولید انرژی در این کشور محسوب می‌شود. به‌طوری‌که ۱۴ درصد از نفت داخلی در این ایالت تولید می‌گردد و نیز بیش از ۴۰ درصد از منابع زغال سنگ چین در آن واقع شده است. (ولی‌زاده، پیشین: ۱۰۸-۱۰۹)

درباره هند هم باید اذعان داشت که فشارهای ناشی از وابستگی فزاینده به واردات انرژی، افزایش جمعیت و در نتیجه تقاضای داخلی در کنار عامل مهم رشد فزاینده اقتصادی، هندوستان را به چهارمین اقتصاد بزرگ دنیا و یازدهمین تولیدکننده و ششمین مصرف‌کننده انرژی در سطح جهان تبدیل کرده است. در واقع وابستگی شدید این کشور به منابع انرژی خارجی باعث شده است تا به‌طور جدی در پی یافتن راهی برای امنیت ورود نفت و گاز طبیعی باشد. به باور کارشناسان پیش‌بینی می‌شود هند در آینده وارد رقابتی جدی با چین در حوزه امنیت ورود انرژی گردد. در حال حاضر نیز ۶۰ تا ۷۰ درصد از نفت مورد نیاز خود را از کشورهای خاورمیانه و منطقه خلیج فارس به‌ویژه ایران وارد می‌کند. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود که هند تا سال ۲۰۲۵ به سومین وارد کننده انرژی در جهان تبدیل شود (India's Energy Dilemma, 2006:1-2).

برزیل نیز به عنوان یکی از اعضای گروه بریکس در قلب آمریکای جنوبی قرار دارد علیرغم اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله تهیه اتانول از نیشکر به ویژه پس از شوک نفتی در اواسط دهه ۱۹۷۰ با کشف ذخایر عظیم گاز طبیعی در سال‌های اخیر به سمت خودکفایی در این حوزه گام‌هایی برداشته است که از آن جمله می‌توان به کشف میادین برون ساحلی در «ریو دوژانیرو» اشاره کرد (Luft, 2008:1) و یا میدان نفتی «تویی» که براساس برآوردهای اولیه ۵ الی ۸ میلیارد

بشکه نفت خام را در خود جای داده است، به عنوان بزرگ‌ترین میدان نفتی در نیمکره غربی در سی سال گذشته شناخته می‌شود. علاوه بر این دورنمای میدان لیبرا در حوزه آبی سانتوس براساس تخمین‌های اولیه ۱۵ میلیارد بشکه نفت خام را در خود جای داده است که در صورت اثبات این ظرفیت حتی میدان «تویی» را نیز پشت سر خواهد گذاشت (Brooks, 2009:1).

آفریقای جنوبی نیز به عنوان یکی از اعضای گروه بریکس سهم کوچکی از نیاز به انرژی (نفت و گاز طبیعی) را به خود اختصاص داده است. در واقع زغال‌سنگ سهم اصلی را در برآوردن نیازهای انرژی آفریقای جنوبی ایفا می‌کند که نتیجه استفاده بی‌رویه از این منبع انرژی می‌تواند افزایش گازهای گلخانه‌ای و گاز دی‌اکسید کربن باشد (ولی‌زاده، هوشی سادات، پیشین: ۱۱۰).

و اما روسیه برخلاف چهار کشور دیگر عضو بریکس از استقلال قابل توجهی در حوزه انرژی برخوردار بوده، و از آن در جهت اهداف ژئوپلیتیکی و سیاسی بهره‌برداری کرده و سود می‌جوید (Ickes, 2011:1-2).

به نظر کارشناسان در عرصه انرژی دشوار به نظر می‌رسد که بتوان برای منابع کنونی انرژی به ویژه نفت و گاز طبیعی در آینده نزدیک در حوزه‌های انرژی جایگزین از جمله خورشیدی، بادی، برق آبی در کنار انرژی هسته‌ای جایگزینی متصور شد. در این صورت براساس پیش‌بینی‌های انجام شده بر مبنای چشم‌اندازهای محیطی در سال ۲۰۰۸، مصرف انرژی در کشورهای بریکس در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۳۰ تا ۷۲ درصد رشد می‌یابد و در صورت عدم اتخاذ سیاستی مناسب، انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از عملکرد صنعتی اعضای این گروه تا سال ۲۰۳۰ تا ۴۶ درصد افزایش خواهد یافت (OECD Environmental Outlook, 2008:1). در مجموع کشورهای حوزه بریکس معادل ۱۰ درصد از ذخایر نفتی جهان را به خود اختصاص داده‌اند که این رقم برای گاز طبیعی و زغال سنگ به ترتیب بیش از ۲۵ و ۴۰

درصد می‌باشد و در این میان روسیه تنها صادرکننده مهم انرژی در بین اعضای بریکس به شمار می‌رود.

چالش‌های فراروی بریکس

۱. تقویت مناسبات و روابط تجاری با آفریقا از جمله اهداف اعضای بریکس می‌باشد، این در حالی است که این موضوع با برخی انتقادات روبه‌رو شده است. مثلاً چین به‌عنوان یکی از پنج کشور عضو بریکس با شدیدترین انتقادات در این خصوص مواجه می‌باشد. نفوذ روبه‌گسترش چین در آفریقا موجب زیر سؤال رفتن فعالیت‌های این کشور در قاره سیاه شده است. عده‌ای با بدگمانی شدید معتقدند چین قصد بهره‌کشی از کشورهای قاره آفریقا را در سر می‌پروراند. علاوه بر چین کشورهای برزیل و روسیه و هند نیز نگاه ویژه‌ای به قاره آفریقا دارند. برزیل با تأکید بر اینکه قصد دارد رابطه جنوب - جنوب را تقویت کند تلاش می‌کند که از فرصت سرمایه‌گذاری در آفریقا بهره‌مند گردد. هند نیز سعی دارد جای پای خود را در قاره آفریقا از طریق حضور در عرصه‌های گوناگون آفریقا محکم کند. روسیه نیز با علم به اینکه در دو دهه گذشته نتوانسته است حضوری مستمر و مؤثر در آفریقا داشته باشد، بر آن است تا حضور خود را در این قاره به ویژه در بخش‌های خاصی چون فروش تسلیحات افزایش دهد (Morazn, Irene, etc, 2012: 11-17). به‌طوری که تلاش اعضای بریکس برای تقویت مناسبات با آفریقا تا حدی است که کارشناسان معتقدند با وجود اینکه این گروه با هدف همکاری و رقابت با دیگر قطب‌های اقتصادی دنیا شکل گرفته است (Mottet, 2013: 9-13) آفریقا تنها جایی است که این کشورها برسر تصاحب و کسب امتیاز بیشتر برای بهره‌برداری اقتصادی از منابع و امکانات آن با هم رقابت کنند (http://www.fes-southafrica.org, 2014:1). علاوه بر رقابت در میدان آفریقا، چالش‌ها و اختلافاتی که در راستای تشکیل بانک توسعه در میان اعضای بریکس وجود

دارد گستره تمایزها و تفاوت‌های نگرشی میان آنها را بسیار پررنگ‌تر نموده است
(<http://www.brettonwoodsproject.org>,2013:85).

۲. تفاوت فاحش درآمد میان کشورهای عضو گروه بریکس موجب از میان رفتن تعادل در این گروه خواهد شد. بنابر گزارش‌ها تولید ناخالص داخلی چین در سال گذشته رقمی معادل هشت هزار و دویست و پنجاه میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که این رقم در مورد آفریقای جنوبی فقط سیصد و نود میلیارد دلار بوده است. سایر اعضای گروه نیز کمابیش فاصله خود را حفظ کرده‌اند. از این جهت ناامیدکننده بودن اعضای گروه هم از حیث شاخص و سازه‌های توسعه‌یافتگی و هم از لحاظ تولیدات، درآمد ناخالص داخلی، درآمد سرانه و ... منشأ چالش‌های جدی است به عنوان مثال کوچک‌ترین اقتصاد عضو بریکس یعنی روسیه با ۱۲۳۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی تقریباً دو برابر اقتصاد آفریقای جنوبی است و همین امر باعث می‌شود که سنخیت آفریقای جنوبی با اعضای دیگر گروه زیر سؤال برود (Ilyashenko, Sedov,2012:1).

۳. عرصه ژئوپلیتیک نیز تنها چیزی نیست که اهمیت داشته و منشأ رقابت و واگرایی میان اعضای بریکس است. بلکه باید مبارزات طبقاتی داخلی در کشورهای بریکس، رابطه کشورهای عضو با هم و نسبت آنها با کشورهای غیرعضو در جنوب مورد واکاوی قرار گیرد که حداقل در سه مورد ذیل‌الذکر، دورنمای آینده مکدر می‌نماید:

الف. برای ارزیابی مبارزات طبقاتی در درون کشورهای مزبور علاوه بر معیارهای جینی نابرابری می‌توان با مشاهده و مطالعه بر روی درآمدهای کشورهای عضو پرسید که دولت چه اندازه از پول را برای کاهش فقر در میان فقیرترین لایه‌های جامعه استفاده کرده و هزینه می‌کند (آونت، ۱۳۹۲: ۱). از میان ۵ عضو این گروه تنها برزیل است که در چنین معیارهایی بهبود قابل توجهی داشته است. در برخی موارد به‌رغم افزایش تولید ناخالص داخلی معیارها و استانداردهای سطح زندگی از ۲۰ سال قبل بدتر و وخیم‌تر شده است.

ب. با نگاهی به مناسبات اقتصادی کشورهای عضو بریکس در تعامل با هم می‌توان دریافت که چین در رشد تولید ناخالص داخلی و دارایی‌های انباشته، دیگر اعضا را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد هند و روسیه احساس می‌کنند لازم است از خود در برابر چین محافظت کنند. به علاوه برزیل و آفریقای جنوبی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که از سرمایه‌گذاری‌های بالفعل و بالقوه چین در حوزه‌های مختلفی دچار آسیب شده‌اند. از جمله اختلافات و چالش‌های موجود در میان اعضای بریکس می‌توان به نگرانی‌ها درخصوص واردات ارزان‌قیمت کالاهای چینی، اختلافات مرزی دیرینه میان پکن و دهلی نو و رقابت این دو کشور در قاره آفریقا، حمایت چین از برنامه‌های موشکی و هسته‌ای پاکستان و نیز اختلافات در روابط چین و روسیه اشاره نمود (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۱). با این حال و علیرغم این اختلافات تاکنون رویکرد همکاری و هماهنگی معیوب و ناقصی در عین وجود حس رقابت به‌عنوان نگرش اصلی در بریکس حاکم بوده است (واحد مرکزی خبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲: ۱).

ج. کشورهای بریکس به دنبال معاملات سودآور و چانه‌زنی هستند. اگر به مناسبات اقتصادی این کشورها با کشورهای جنوب به دقت نگریسته شود، شکوه و شکایت‌های فزاینده‌ای مشاهده می‌شود که ناشی از ارتباط هر یک از این کشورها با همسایگان بلافصل و (نه چندان بلافصل) خود است و بیش از حد از شیوه‌های ارتباط آمریکا و شمال کهن با آنها شبیه‌سازی می‌کنند. این گروه از کشورها گاه متهم می‌شوند که نه شبه امپراتورمآب که کاملاً امپراتوری مآب عمل می‌کنند (والرشتاین، ۲۰۱۳: ۱).

۴. اگرچه تجارت درون گروهی بریکس به سرعت در حال رشد است اما این کشورها هنوز توافق تجارت آزاد با یکدیگر را امضاء نکرده‌اند و این خود منشأ چالشی جدی خواهد شد.

۵. وجود بحران‌های موجود اقتصادی، عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نیز تغییرات در شرایط و شاخص‌های سخت‌افزاری توسعه و کاهش آنها (نبود نیروی کار

ارزان، فقدان سرمایه‌های مالی، نبود اعتبارات، کاهش جمعیت) ممکن است در روند رشد این کشورها خلل اساسی ایجاد کند. به عبارت دیگر هیچ ضمانتی بر حفظ رشد بسیار زیاد بریکس وجود ندارد (pwc Economics, 2013: 13-14).

۶. بدبینی به اهداف بریکس در حرکت به سمت ترویج الگوی توسعه غیرغربی و ایجاد بانک توسعه، تهدیدات پیش‌روی این فرصت تاریخی را برای سران کشورها یادآور می‌شود. چین از جمله کشورهایی است که همواره به عدم پایبندی به شاخص‌های توسعه پایدار و حفظ محیط زیست متهم می‌شود. روسیه همچنان از سیاست‌های متمرکز اقتصادی رها نشده و حتی نسبت به وجود سیاستمداران باورمند به روندها و فرآیندهای توسعه در آن شبهه وجود دارد (بولتن نیوز، پیشین). افزون بر آن، توزیع درآمد در میان اعضای بریکس به نسبت کشورهای غربی نابرابر است.

۷. کاهش رشد و رکود مبتنی بر بحران اقتصادی که ممکن است در بازارهای این کشورها نمایان گردد؛ بدین صورت که در بازارهای تولیدی آنها پول خارجی کمتری وارد شده و تولیدات آنها را کمتر کند. چنین وضعیتی در واقع بازتاب همان اصل اقتصادی است که با کاهش تقاضا، عرضه نیزرفته رفته کاهش خواهد یافت. با این شرایط، نظم جهانی به همان شکلی که وجود داشته، ادامه خواهد یافت و تغییرات کمی را تجربه می‌کند. این به آن معنا است که دوران شکوفایی و رشد سریع اعضای بریکس به پایان رسیده و گروه بریکس با آن شاخص‌ها فروپاشیده است. با این وجود سرمایه‌گذاران، پول و سرمایه خود را از بریکس خارج نموده، و به دنبال فرصت‌های دیگری در کشورهای دیگر خواهند رفت. در این صورت، ثبات کنونی آن، ممکن است در آینده کاملاً دستخوش تغییر و تحول شود (بازاریا شیلی، ۱۳۹۱: ۸).

ایران و بریکس

اعضای بریکس، طی چندین دهه از نیروی کار ارزان، بهره‌وری بالا، سرمایه‌گذاری‌های زیاد در زیرساخت‌ها، آموزش و انگیزه زیاد برای رسیدن به رقاباتی

ثروتمند بهره‌مند شده‌اند (اعزازی، ۱۳۹۱: ۱). این کشورها با توجه به مؤلفه‌هایی چون جمعیت‌ها و بازارهای غنی داخلی بود که بسترهای گسترش تجارت جنوب - جنوب را خلق کردند و از نظر اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه جذاب به نظر می‌رسیدند (Morazn, Irene, etc, Ibid: 9-10).

از این‌رو، به نظر می‌رسد هدف نهایی بریکس یافتن راه‌حلی برای انجام تغییرات در نظام بین‌الملل باشد؛ با وجود این، میزان موفقیت آن به عوامل گوناگونی بستگی دارد که عمدتاً به چالش‌هایی مربوط می‌شوند که در رویارویی با انجام تغییرات بنیادی در نظم بین‌الملل قرار دارند (شریعتی‌نیا، پیشین). بر این پایه، رویکرد اولیه بریکس برای کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که نظام بین‌الملل کنونی را ناعادلانه می‌دانند و خواستار آن هستند که نظام عادلانه‌تری بر سیاست جهانی حاکم شود، از جذابیت مبنایی برخوردار می‌باشد.

در واقع کشورهایی که مخالف سلطه و استیلای اتحادیه اروپا و آمریکا بر امور اقتصادی و سیاسی در عرصه بین‌المللی هستند به گروه بریکس به عنوان یک قدرت سیاسی و اقتصادی جایگزین نگاه می‌کنند. با افزایش تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه برنامه هسته‌ای، ایران نیز به گروه بریکس و به ویژه چین و هند به عنوان جایگزین‌های تجارت از دست رفته با اروپا روی خوش نشان داد (مشرق نیوز، ۱۳۹۳: ۱). سیاست نگاه به شرق در این چهارچوب معنا می‌یابد.

البته با نمایش وزنی که بریکس از خود در معادلات بین‌المللی نشان می‌دهد از دیدگاه کشورهای مخالف وضع موجود نظیر ایران، بیانگر ظهور مختصات جدید اقتصادی و سیاسی در جهان است که می‌تواند نشانه‌هایی از تشکیل قطبی جدید با هدف تحقق موازنه‌ای از قدرت نوین در عرصه بین‌الملل باشد (همان). علاوه بر دیدگاه ایران که در قالب رویکردی ایدئولوژیک به برقراری ارتباط با بریکس می‌اندیشد نگاهی اجمالی به درون این گروه مفید این معناست که کشورهای نوظهور اقتصادی به ویژه چین، هند، برزیل و روسیه

رقابتی جدی را در روند منابع جهانی انرژی در مقایسه با دیگر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه آغاز کرده‌اند (http://future.wikia,2012:1) و ایران نیز به علت برخورداری از منابع غنی هیدروکربنی در کنار رشد اقتصادی آن در حوزه منطقه‌ای و حتی بین‌المللی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. بر همین اساس گسترش ارتباط با کشورهای حوزه بریکس نیز از اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

رقابت چین و روسیه بر سر بازارهای منطقه در کنار رقابت درخصوص انرژی‌های هیدروکربن با اتحادیه اروپا و آمریکا، فرصت بهره‌وری و سیاست نزدیک شدن به ایران را بیش از پیش فراهم می‌آورد (Glosny, 2010: 31-38). بر همین اساس پیشنهاد عضویت نظارتی ایران در پیمان شانگهای توسط روسیه و چین مؤید این مطلب می‌باشد. در واقع نیاز رو به رشد و بلندمدت چین به واردات نفت و گاز نیز باعث شده که این کشور در کنار حیات خلوت انرژی خود یعنی منطقه آسیای مرکز، نگاهی استراتژیک به روابط انرژی با کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه با جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. در حال حاضر نزدیک به ۴۵ درصد از واردات نفت چین از خاورمیانه صورت می‌گیرد و ایران دومین صادرکننده بزرگ نفت به چین پس از عربستان است. ایران همچنین در سال ۲۰۰۸ دومین عرضه‌کننده بزرگ نفت هند به شمار می‌رود.

مناسبات رو به جلو میان چین، روسیه و هند همراه دیگر اعضای بریکس و رویکرد این گروه در قبال ایران به همراه تقاضای فزاینده دو قدرت بزرگ اقتصاد آسیا و ظهور دوباره روسیه‌ای مستقل در روابط بین‌الملل که قدرت آن با منابع انرژی تقویت شده است، این زمینه را برای ایران به وجود آورده است تا به شرکایی مهم در حوزه انرژی و اقتصادی بیندیشد که البته با جهت‌گیری سیاست خارجی ایران و تمایل بیشتر به شرق به‌ویژه کشورهایی چون روسیه، چین و هند همخوانی دارد و می‌تواند زمینه جذب سرمایه‌های بیشتر را در حوزه انرژی از طریق تشکیل کنسرسیوم شرکت‌های ملی نفت

اوراسیا و همچنین توسعه بازارها در این عرصه را به همراه تقویت مناسبات منطقه‌ای در این ارتباط فراهم آورد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱).

ذکر این نکته ضروری است که ایران علاوه بر داشتن ژئوپلیتیک مهم و برخوردار از موقعیت ژئواستراتژیک حیاتی در منطقه به عنوان پل ارتباطی خلیج فارس و خزر، وجود انرژی‌های موجود (نفت و گاز طبیعی) عامل مهمی در تأمین منافع ملی خود و مرتفع نمودن دغدغه‌های امنیت انرژی مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی به‌ویژه گروه بریکس به شمار می‌رود که می‌تواند با حضور فزاینده شرکای بزرگ اقتصادی مانند چین و هند آن را تقویت نموده، (مؤمنی، ۱۳۹۳: ۱) و وزن ژئوپلیتیک خود را ارتقاء بخشد. به موازات نیاز ایران، کشورهای نوظهور اقتصادی نیز به فراخور نیاز به منظور تداوم رشد اقتصادی خود، در پی یافتن شرکای استراتژیک انرژی مطمئن و قابل اتکایی برای خود می‌باشند. بنابراین می‌توان انرژی را از حلقه‌های مهم پیوند ایران با جهان خارج قلمداد نمود که برای ایجاد و گسترش این تعاملات داشتن یک دیپلماسی فعال در زمینه انرژی می‌تواند بسترهای برخورداری از حداکثرسازی منافع در بازار بین‌المللی انرژی را برای ایران به ارمغان آورد، ضمن اینکه قدرت چانه‌زنی ایران را در برابر قدرت‌های تأثیرگذار در نظام بین‌الملل ارتقاء می‌بخشد.

در رابطه با موضوع عضویت ایران در گروه بریکس، گروهی بر این اعتقادند که عضویت ایران در این سازمان اقتصادی - سیاسی، با توجه به رویارویی کنونی ایران و غرب بر سر مسائل مختلف، اعضای این گروه در پذیرش عضویت ایران محتاط عمل می‌کنند. احتیاط اعضای گروه بریکس در حالی است که ایران بارها آمادگی خود را برای عضویت در بریکس اعلام نموده است.

آن گونه که برخی از صاحب‌نظران و تحلیل‌گران در این عرصه بیان داشته‌اند اگر ایران به این گروه از اقتصادهای نوظهور بپیوندد با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های

ایران، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این سازمان نیز توسعه خواهد یافت و بر عملکردها و کنش‌های جهانی این سازمان نیز افزوده خواهد شد.

در عین حال با توجه به وجود مؤلفه‌های فراوان و متنوع در همکاری میان ایران و بریکس، برخی عوامل نیز وجود دارند که می‌توانند به عنوان علل و عوامل تهدیدکننده تقویت مناسبات ایران و بریکس عمل کنند و به تضعیف روابط میان آنها بیانجامند از جمله می‌توان به گسترش استفاده از منابع تجدیدپذیر، شکاف‌های موجود میان ایران و روسیه، اختلافات چین و روسیه، چین و هند و وجود نیروها و جریان‌های رقیب در داخل بریکس و آثار آن بر سایر اعضاء اشاره نمود (عظیمی، پیشین).

علاوه بر آنها می‌توان عوامل دیگری چون نوع قراردادهای ایران با شرکت‌های خارجی و لزوم ارائه مشوق‌های بیشتر به این شرکت‌ها، افزایش مصرف داخلی گاز طبیعی در ایران، بالا بودن عمر برخی چاه‌های نفت در ایران، برخی مشکلات فنی در صنعت انرژی و لزوم مدرنیزاسیون آن به همراه تنش‌های سیاسی به‌ویژه در ارتباط با موضوع هسته‌ای از جمله موانع جدی در مسیر مناسبات انرژی با ایران است. (Arkhipov, 2012: 1)

نتیجه‌گیری

اگرچه بریکس به‌عنوان یک ایده نو در عرصه اقتصادی و حتی سیاسی موجودیت خود را اعلام نمود اما بر اساس مطالبی که گذشت، اختلافات میان اعضای این گروه به مراتب بیشتر از نقاط اشتراک اعضای آن می‌باشد. با توجه به شرایط موجود در این نهاد و وجود رقابت‌های گاه تعارض‌آمیز میان کشورها، به نظر می‌رسد که این نهاد بین‌المللی نیز یک نمونه دیگر از نمونه‌های ناموفق همگرایی است که تنها کارویژه آن معطوف به نشست‌های سالانه بی‌ثمر در قالب یک نهاد سازمانی بی‌هویت جهانی باشد. با اینکه شرایط ممتاز اقتصادی، اعضای بریکس را گرد هم آورده، اما فقدان ایدئولوژی قدرتمند و هدف مشترک در کنار منافع متعارض ملی اعضا و مسائل ژئوپلیتیکی خاص

هر کشور، امکان اینکه اعضای بریکس به یک توافق جمعی در تعیین استراتژی‌های راهبردی به خصوص در امور خطیری چون تغییرات نهادینه شده در سطح جهانی دست یابند را بسیار دشوار و پیچیده ساخته است؛ در واقع وجود این تعارضات در رهیافت‌های کشورهای عضو به جهان پیرامون است که زمینه را برای تحقق اهداف این گروه به ویژه تبیین و اجرای یک الگوی جدید اقتصادی در جهان با شکست مواجه نموده است؛ بطوریکه با یک بررسی اجمالی از اجلاس‌های برگزار شده میان اعضا می‌توان اختلافات و خواسته‌های جداگانه هر یک از اعضا را بوضوح دریافت. به عنوان مثال در آخرین اجلاس (اجلاس هفتم) که در تاریخ ۹ جولای ۲۰۱۵ در مسکو با محوریت موضوعات اقتصادی (توسعه) و سیاسی (مبارزه با تروریسم) گشایش یافت همه چیز متأثر از بحران اکراین و تقابل غرب و به ویژه آمریکا با روسیه به عنوان یکی از اعضای این گروه بود. آنچه در این باره مهم می‌آید این است که وجه مشترک اجلاس اخیر با سایر اجلاس‌های گذشته میان اعضا بریکس تکرار مواضع گذشته اعضا نسبت به ساختار اقتصادی و سیاسی نظام بین الملل و نظام سلطه بود.

نقش و جایگاه ایران در بازار جهانی انرژی مورد توجه اکثر کشورهای صنعتی غربی و در حال توسعه می‌باشد وجود این ویژگی برای ایران نیز مورد توجه گروه بریکس خواهد بود که به نوعی در پی تسلط بر منابع انرژی خاورمیانه هستند؛ هرچند که حجم مبادلات ایران در عرصه‌های گوناگون با اعضای این گروه به‌طور فردی (نه در قالب بریکس) بسیار گسترده‌تر از میزان مبادلات میان ایران با گروه مذکور می‌باشد. آنچه به نظر می‌رسد همکاری ایران با گروه بریکس علاوه بر سیاست‌های کلان مدیریتی در ایران در قالب نگاه به شرق و نیز مبادله با جنوب و ستیز با غرب، وجود تحریم‌های حاصله از تعقیب برنامه هسته‌ای بر علیه ایران و نوعی تلاش برای گریز و دور زدن آنها می‌باشد.

اما آنچه که در ارتباط با ایران و گروه بریکس حائز اهمیت بوده این است که با توجه به اختلافات میان اعضای این گروه و عدم همگرایی سازمانی میان آنها، عضویت

و حتی همکاری گسترده ایران با این مجموعه از کشورها، منافع ایران را تأمین نخواهد کرد زیرا ظرفیت آن را ندارد که در مدت زمان معین، منابع تکنولوژیکی خود را به ایران انتقال دهند.

بهره سخن اینکه هر سازمان و نهاد بین‌المللی به تناسب ماهیت و اهداف شکل‌گیری خود در پی اقداماتی در جهت عملیاتی نمودن آنها می‌باشد که گروه بریکس نیز با توجه به ماهیت بین‌المللی خود، از این قاعده مستثنی نیست هرچند که این اقدامات و تدابیر در مورد بریکس نه تنها در فضای گفتمانی و نرم‌افزاری بلکه در رویکردهای اجرایی نیز هنوز عملیاتی نشده است. از این رو ارائه راهکارهای زیر می‌تواند در مسیر ارتقاء بریکس و پیشبرد اهداف آن مؤثر افتد، هرچند که مسیری طولانی فراروی آن در دستیابی به همگرایی وجود دارد.

۱. گسترش هماهنگی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اکولوژیکی و یکپارچه‌سازی رفتاری در سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه پایدار در میان اعضای گروه.
۲. جذب کشورهای همسو و هدف در مدار تمدنی پنج کشور عضو بریکس.
۳. پیوند بریکس با جهان اسلام و تسهیل بسترهای لازم برای پیوستن کشورهای نظیر ایران، مالزی و ترکیه به بریکس.
۴. اتخاذ مواضع یکپارچه و هماهنگ درخصوص مسائل بین‌المللی میان اعضای بریکس.
۵. تعهدات متقابل امنیتی اعضا به یکدیگر (در قالب اتحاد ادغامی همبودگرای امنیت محور).
۶. ایجاد بازار مشترک، مناطق مشترک و هماهنگ اقتصادی - مالی در بین اعضای بریکس.
۷. تلاش برای دموکراتیزه کردن ساختارهای داخلی هر یک از اعضا.
۸. افزایش همکاری‌های سیاسی - اقتصادی و استراتژیک - دیپلماتیک.

منابع:

- سلیمان پور، هادی، مولایی، عبدالله (۱۳۹۲)، "قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل"، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، بهار، شماره اول.
- ماهنامه صنعت و توسعه (۱۳۹۲)، "اتحاد بریکس در مقابل فدرال"، سال هفتم، شماره ۶۶.
- ولی‌زاده، اکبر، هوشی‌سادات، سید محمد (۱۳۹۲)، "ژئوپلیتیک انرژی بریکس و جایگاه ایران"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۲، تابستان.
- آبوغیث، عبدالله (۱۳۹۱/۱/۲۷)، "بریکس و یارگیری‌های منطقه‌ای"، همشهری، کد خبر: ۱۶۶۳۴، <http://new.hamshahrionline.ir>
- آونت، راین (۱۳۹۲/۰۷/۰۸)، "دلایل توقف رشد اعضای بریکس"، ترجمه امیرعلی عزیزی، روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۳۰۲۹، دسترسی در <http://www.donya-e-eqtasad.com>، کد خبر: ۷۵۵۶۴۵
- اعزازی، مجید (۱۳۹۱/۹/۲)، "بازاندیشی درباره بریکس"، برگرفته از فارین افرز، روزنامه دنیای اقتصاد، دسترسی در www.donya-e-eqtasad.com
- بازاریا شلی، سعید (۱۳۹۱/۰۱/۲۴)، "بریکس؛ غوطه‌ور در آرزوها"، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۱۵، صفحه ۱، دسترسی در <http://www.donya-e-eqtasad.com>
- باشگاه اندیشه (۱۳۹۲/۷/۲۶)، "گروه بریکس تلاشی برای تجدیدنظر در ساختار نظام بین‌الملل"، کد مطلب: ۱۹۰۸، دسترسی در: <http://www.bashgah.net>
- ببری گنبد، سکینه (۱۳۹۲/۲/۱۴)، "بریکس و چشم‌اندازهای توسعه آینده"، خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۲۰۲۸۰۰۱۱۹۵، دسترسی در <http://farsnews.com/new>
- بولتن نیوز (۱۳۹۲/۲/۵)، "بریکس و چشم‌اندازهای توسعه در آینده: آیا بریکس قادر به پیشبرد الگوی توسعه خود خواهد بود؟"، کد خبر: ۱۳۸۵۸۸، دسترسی در: <http://www.bultannews.com>
- پژوهشکده مطالعات راهبردی بین‌الملل (۱۳۹۲/۴/۲۳)، "بریکس، قدرت‌های نوظهور اقتصادی و صفحه شطرنج سیاست بین‌الملل"، دسترسی در: <http://riipolitics.com>
- تجارت پرس (۱۳۹۲/۷/۲۰)، "اختلاف کشورهای بریکس برای تشکیل بانک توسعه"، کد خبر: ۵۰۷۶، دسترسی در سایت tejaratpress.com
- تقفی عامری، ناصر (۱۳۹۲/۳/۶)، "زمینه‌های مشترک میان ایران و گروه بریکس"، وبسایت

پژوهشکده تحقیقات راهبردی، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، دسترسی در:

<http://www.csr.ir/departments>

خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۲/۷/۲۱)، "آمادگی ایران برای عضویت در صندوق بریکس"، کد خبر:

<http://www.irna.irs>، دسترسی در: ۸۰۸۵۷۳۶۲

خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۳/۴/۲۶)، "بریکس - حرکت قدرت‌های نوظهور به سطوح جدید همکاری"، کد

خبر: ۸۱۲۴۱۱۲، دسترسی در <http://www.irna.ir>

خبرگزاری نمنا (۱۳۹۲/۴/۴)، "کشورهای بریکس بیشترین مساحت، جمعیت و سریع‌ترین رشد

اقتصادی را در جهان ندارند"، کد خبر: ۷۲۴۵، دسترسی در: <http://namna.ir/fa/news>

رضایی اسکندری، داود (۱۳۹۳/۴/۳۱)، "سازوکاری که هنوز انسجام ندارد: بریکس، تشکلی برای مقابله

با سیطره غرب"، کد خبر: ۱۹۳۵۸۹۹، دسترسی در <http://www.irdiplomacy.ir>

سایت سخن آشنا (۱۳۹۰/۱/۲۵)، "مختصری از تاریخ اقتصادی اعضای بریک در دهه گذشته"، کد

خبر: ۶۹۸، دسترسی در: <http://www.sokhaneshena.ir>

شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۸۹)، "هند و چین: رقابت و همکاری"، وبسایت پژوهشکده تحقیقات

راهبردی، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، دسترسی در <http://www.csr.ir/departments>

شهرمادی، افشین (۱۳۹۲/۱/۸)، "جهان جدید از نگاه «بریکس» و اجلاس دوربان"، سایت خبری

تحلیلی سیاست، کد خبر: ۱۷۲۶۳، دسترسی در <http://siasatema.com/html>

صانعی‌پور، محمود (۱۳۹۲/۵/۱۵)، "بریکس و چالش‌های پیش‌رو"، وبسایت مدیریتی، دسترسی در:

<http://edisa.ir.html>

عظیمی، دلارام (۱۳۹۱/۱/۲۷)، "رقابت از وحدت سبقت می‌گیرد"، همشهری آنلاین، کد خبر:

<http://www.hamshahrionline.ir>، دسترسی در: ۱۶۶۳۵۹

عنادی، مراد (۱۳۹۰/۱/۲۹)، "بریکس معادلات جهانی را بازتعریف می‌کند"، دیپلماسی رسانه،

دسترسی در <http://pejrvaknews.blogfa.com>

مشرق نیوز (۱۳۹۳/۵/۱۹)، "گروه بریکس (Brics)؛ ائتلاف بزرگ اقتصادی قرن"، کد خبر: ۳۳۲۷۹۱،

دسترسی در: <http://www.nashrehghnews.ir/fa/news>

مؤمنی، میرقاسم (۱۳۹۳/۶/۶)، "بریکس و تأثیر آن در نظام بین‌المللی چندقطبی"، صاحب‌خبر، کد

خبر: ۶۴۷۳۱۵، دسترسی در <http://sahebkhavar.ir/news>

همشهری آنلاین (۱۳۹۰/۱/۲۵)، "آشنایی با گروه بریکس (Brics)"، کد خبر: ۱۳۲۳۵۸، دسترسی در:

<http://www.hamshahrionline.ir>

واحد مرکزی خبر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲/۱۲/۲۳). "دوران طلایی کشورهای بریکس ظاهراً رو به پایان است؟"، کد خبر: ۲۲۹۹۶۰۷، دسترسی در:

<http://tnews.ir/khabar/C60022993607>

والرشتاین، امانوئل (۲۰۱۳/۵/۵). "بریکس در خدمت چه کسانی است؟"، ترجمه پرویز صداقت، نقد

اقتصاد سیاسی، دسترسی در <http://pecritique.com>

Arkhipov, Ilya (2012), "BRICS seek joint position on Iran", Available at: www.moneyweb.co.za

Brooks, Bradley (2009), "Alternative Energy Powerhouse Brazil Finds Big Oil", **Associated Press**, Available at: <http://www.ap.org>

Cameron, Fraser (2011), "The EU and the Brics", EU-Russia Center, Brussels, Available at:

dseu.lboro.ac.uk/Documents/Policy_Papers/DSEU_Policy

Campbell, Horace G.(2014), "Brics bank challenges exorbitant privilege us dollar", Available at : <http://www.blackagendareport.com>

Glosny Michael A. (2010) "China and the Brics: A Real (but Limited) Partnership in Unipolar World", **Polity**, Vol. 42.

Harmer, Andrew, etc (2013), "Brics without Straw? A Systematic literature review of Newly emerging economics' influence in Global Health", Available at: <http://www.globalizationandhealth.com>

Hounshell, Blake (2011), "A Short History BRICS", Available at:

<http://forum.china.org.cn>

Ilyashenko, Andrei, Sedov, Dmitry(2012) "Brics anticipates new challenges", Available at: <http://asia.rbth.com>

Luft, Gal, (2008), "Iran and Brazil Can Do It, So Can We", **Washington post**, Available at: <http://www.washingtonpost.com>

Yoshihara, Toshi, Holmes, James R (2008), "China's Energy- Driven Soft Power", **Orbis**, Vol. 52, No. 1.